

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۴ مارچ ۲۰۲۱

فضای سیاسی در قری که گذشت!

۳

سه شنبه- ۰۳ حمل ۱۴۰۰ - کابل:

به ادامه گذشته:

سالهای بین ۱۳۴۲ الی ۱۳۵۲ را که برخی ها بهترین روزگار در قرن ۱۴ افغانستان می نامند و از آن به نام دهه دموکراسی یاد نموده، فضای سیاسی کشور را باز و حتا برخورداری از تمام آزادیهای دموکراتیک اعلام می دارند و من در قسمت های قبلی این نگاشته از آن به نام "دموکراسی تاجدار" یاد نموده ام، خلاف ادعاهای هواداران سلطنت و شخص "ظاهر شاه" نه تنها هیچ تشابهی با یک فضای دموکراتیک که صرف می تواند بر مبنای حاکمیت قانون، آنهم قانونی که در اساس حافظ حقوق و آزادیهای دموکراتیک توده ها باشد، نداشت بلکه در عمل ادامه همان سیستم قبلی با سرخاب و سفیداب "دموکراسی تاجدار" بود. مثلاً در زمینه های آتی:

*- اعلام این که شخص شاه دارای تمام صلاحیت ها در تمام امور است، اما هیچ گونه مسؤولیتی در قبال اعمالش ندارد، در عمل قانونی اعلام داشتن حاکمیت مطلقه سلطنتی بود که هیچ نوع سنجیتی با یا نظام دموکراتیک که می باید همه کس و بدون استثناء در قبال اعمالش پاسخگو باشد، نداشت.

*- هر چند ظاهراً در قانون اساسی رسمیت یافته در ۱۳۴۳، تظاهرات مسالمت آمیز از حقوق اولی و تخطی ناپذیر مردم شناخته شده بود، مگر سلطنت در مقابل اولین آزمون در سوم عقرب ۱۳۴۴، با بیرون کشیدن تانکها از قطعات نظامی و آوردن آنها بر روی سرکها و فیر با سلاح گرم و قتاله که در پی آن کشته شدن حد اقل سه تن از مظاهره چیان علنی و پذیرفته شد، در عمل نشان داد که سلطنت و وابستگان آن به چیزی به نام حقوق و آزادیهای دموکراتیک نه تنها باور مند نیستند بلکه پشیزی به آنها ارزش قایل نیز نیستند.

* - هر چند ظاهراً در قانون اساسی ۱۳۴۳، آزادی بیان، نوشته و سایر آزادیهای دموکراتیک به رسمیت شناخته شد بود مگر در عمل زندانها پر بود از آنهایی که خواسته بودند از آن قانون به نفع مردم استفاده نمایند و حتا آنهایی که از صمیم قلب به آن قانون باور مند بودند، نیز با کمترین تخطی، در زندان ظاهر شاهی محبوس بودند. به زندان افگندن ده ها محصل و متعلم و همچنان کارمندان وزارت معدن، گواه انکار ناپذیر این ادعا می باشد.

*- سلطنت در مقابل خواستهای معقول و آزادیخواهانه آحاد مردم به خصوص شاگردان مکاتب و محصلان پوهنتون، سخت حساسیت نشان داده، کشتن یک شاگرد نوجوان به نام "اصیل"، در ۲۳ ثور ۱۳۴۸ و به تعقیب آن حمله گستاخانه نیروهای امنیتی سلطنت بر بزرگترین مرکز آموزش کشور یعنی پوهنتون کابل در ۲۹ ثور همان سال، توأم با ضرب و شتم استادان و محصلان اعم از دختران و پسران، چهره کریمه "دموکراسی تاجدار" را از ورای سرخاب و سفیداب آن آشکار نمود.

*- هرچند در قانون اساسی تشکیل نهاد های مبارزاتی سیاسی و صنفی مجاز اعلام شده بود، مگر در عمل، در تمام آن دوران، سلطنت و شخص شاه نه تنها حاضر نشد تا قانون احزاب را توشیح نماید، بلکه با تمام قدرت از تشکیل اتحادیه های صنفی نیز جلوگیری نموده، جهت جلوگیری از ایجاد اتحادیه محصلان و استادان، ۷ ماه درب تمام پوهنتون را بست.

این عمل سلطنت و دموکراسی تاجدارش باعث گردید تا نهاد های مبارزاتی چپ و راست که عملاً به وجود آمده بودند، مگر رسماً وجود خارجی نداشته باشند. این تناقض بین موجودیت عملی و عدم موجودیت رسمی احزاب باعث گردید، تا طیف صادق و وفادار به مردم و کشور، راه مبارزه مخفی و رفتن به طرف مبارزه مسلحانه را در دستور کار قرار دهند، در حالی که طیف های وابسته و منقاد به امپریالیسم و ارتجاع، به مشی توطئه گرانه و اتکاء به خارجیان روی آورده، چپ نماهایش سر در آستان مسکو سائیده کودتا گری پیشه نمایند و راست گرایانش خود را به پایبوس ارتجاع منطقه انداخته، سر از گریبان "آی. اس. آی. پاکستان"، "ساواک" ایران، "المخابرات العامة" عربستان سعودی و بقیه دشمنان خلق ما در آورند.

*- آنچه در برخی از شهر ها به خصوص شهر کابل زیر عنوان آزادیهای دموکراتیک و برخورداری از آن به خورد مردم داده می شد، در واقعیت چیزی به جز هرزگی های لیبرالی که منطقاً ادامه همان آزادی هائی بود که "حبیب الله کلکانی" در یک ساختار فئودالی آن را اعلام داشته بود و اینک متناسب با ساختار نیمه مستعمره نیمه فئودالی خود را نشان می داد، نبود.

در یک کلام می توان نوشت که فضای سیاسی در به اصطلاح "دهه دموکراسی" یا همان "دموکراسی تاجدار" کاریکاتوری بود از یک فضای سیاسی باز و دموکراتیک.

ادامه دارد